**جغرافیای شمیران**

**بن عبدالجلیل، علی اکبر**

نویسندهء این مقاله از گذشتگان قوم و شخصی است موسوم به علی اکبر بن عبدالجلیل چاپار باشی. خانه و مسکن این شخص که ظاهرا از سلسله سادات طباطبائی تبریز بوده از ساحل شمالی رودخانهء مهرانرود واقع و اکنون نیز کوچهء بنام چاپارباشی در همان محل معروف و مشهور است.

وی از شاگردان مدرسهء ناصری بوده و تحصیلات خود را در قسمت نظام به پایان رسانده و چون در مدت اقامتش در تهران همه ساله بقصد ییلاق در شمیرانات بسر برده است مقاله را که حاکی از وضع‏ جغرافیائی آن محل در آن ایام است تسوید و گویا در حدود سال 1319 هجری قمری در ایام توقف‏ در سنت پترسبورغ که سمت نیابت سفارت دولت ایران را داشته آنرا مرتب و باین صورت پرداخته است. کابت نسخهخ کسی است موسوم به علی بن محمد کاظم و چون با ادبیات فارسی آشنائی کمتر داشته اغلاط کتابتی فراوان در متن مقاله راه یافته بعضی از اغلاط آن پس از استنساخ با نظر اجمالی و سطحی در متن آن،بقدر حوصله تصحیح شد.دربارهء الفاظ مظنهء تحقیر واهانت ببعضی از اشخاص است که امروز طاعن و مطعون هر دو عالم پاک بی‏رنگی از لوت این قبیل آلودگیهای طبعی خاکی فاغ و آزاداند. تبریز-سلطان القرائی

بسم الله الرحمن الرحیم

در بیان تعریف جغرافیای فیزیکی شمران

بلوک شمیران قطعه‏ایست خوش آب و هوا واقع در دامنهء کوه البرز که این رشته‏کوه‏ یکی از ممنشعبات کوه دماوند بوده در این موقع حدی فاصل ما بین ایالت ری و مازندران است. متتهای بعد آخرین نقاط آبادی شمیران تا شهر از دو فرسخ بیشتر نیست که بنابراین میتوان‏ حدود او را چنین بیان کرد که از سمت شرقی محدود بلوسان و از جنوب بطهران و از سمت‏ غرب بشهریار و از طرف شمال بسلسلهء کوه مزبور محاط و محدود است.کلیهء آبادئی این‏ بلوک که بهم دیگر متصل و مسلسل و جلگهء آن خیلی؛1روح و روح‏افزا است فرضا از شمال‏ بجنوب یکفرسخ ونیم وطولا از شرق بغرب دو فرسخ و نیم است.عدهء تمامی قرایش بچهل‏ پارچه بالغ میشود و عدهء نفوسش را اگرچه بطور کامل بشمار نمیتوان آورد ولی تخمینا پنج‏ هزار نفر میشود.

در میان این قراء ده‏آباد معتبری که نایب الحکومه در آنجا ساکن میشود قریهء تجریش‏ است که در مرکز این جلگه واقع شده از هر حیثیت امتیاز بسایر دهات دارد زیرا که بهترین‏ نقاط شمیران از جهت اعتدال آب و هوا ومکان است.از خود تجریش روببالا دوطرف رودی‏ است که از وسط تجریش میگذرد و منابع این رود چشمهای کوه مزبور بلکه اغلب برف همان‏ کوهست که کم‏کم جمع شده از وسط یکدرهء عریض و طویل با روحی همه‏جا از روی سنگهای‏ خیلی بزرگ و مرتفع گذشته و در بعضی جاها آبشارهائی عدیده را ترتیب مسیازد.پس از سیلان و نجریان از وسط آنکوه تقریبا دو فرسخ راه را در میانهء خط شمال و جنوب طی نموده‏ در حوالی شهر از زیر عشرت‏آباد نهر معظمی را ازین رود بطرف مشرق امتداد داده محلهء بیرون دولاب و محصول و سایر سبزی آلات آنجا را مشروب و سیر آب میسازد.

در اینجا لازم شد که از مطلب خارج شده بذکر چگونگی آبشار معروف وسط که مزبور پردازم.

آبشار یا باصطلاح شمیرانیان(آب شورشور)محلیست معروف واقع در میانهء درهء قریهء پس‏ قلعه.از اول بهار که خزینهای برف از سر و کمر کوه بنا بآب شدن گذاشت باقتضای مکان برفها از سینه‏ها و پشتها و بیخ و بن سنگها اندک‏اندک جمع شده تا برسیدن محل مزبور که تقریبا در کمرکش کوه است کثرت آب در حین طغیان از چهل‏سنگ بیشتر شده از تنگهء طبیعی از روی‏ سنگ مرتفعی بارتفاع ده ذرع تقریبی بیک هیئت آبی که گوئی شمش نقره است که تازه زرگر از بوطه بطاس میریزد بکمال سرعت و منتهای ثقلیت روی سنگهای جان سخت سنگین دل‏ ریخته یک دریای مواج نه از آب،بل از سیماب ترکیب یافته سر هر قطره آبی بصد هزاران‏ سنگی خورده کف‏کنان چون دهن دیو ژیان از بالا بپایین دره منهدر ومنکسر میشود.واقعا تماشای انصاب اینحالت آبشار و خضرت برگ درختان و طراوت شاخ بنفشه و بان ومنظر آن‏مکان که نه تنها شمیران بل از نیاوران تا منتهای نقطهء جلگه طهران جلوه ده دیدهء هر ناظر و حاضر است همه ساله باعث جذب و جلب گروه‏گروه مردمان عیاش و هوسکار میگردد که‏ محض دیدن این مخوضع با صفا در سه ماه بهار از جاهای دور و نزدیک بزاد راحله و تدارک‏ لازمه بدان مکان آمده پس از یک دو روز توقف باز باوطان خود برمیگردند اگر در آن میان‏ هنرمندی از قبیل عکاس و نقاش بوده باشد طرح و دورنمای او را ضبط نموده بطبع میرساند. خلاصه از اوایل ماه خزان که آفتاب از سمت رأس سرسطان روبتمایل و بتهابط گذاشت‏ و سفیدی عارض سر و صورت کوه از فرط حرارت آفتاب مبدل به سیاهی و رنگ خاکی گردید آب این رود روبنقصان میگذارد،و کم‏کم قلت فیضان آب باعث این میشود که فضلاب ابن رود بدولاب سهل است بخود تجریش هم کفایت نمیکند،در ماه دویم تابستان دیگر کس در توی‏ این رود یک قطه آب تا اواخر پاییز نمی‏بیند.باوجوداین در تجریش قناتها و چشمه‏های‏ متعدد و فراوان هست که در وسط تابستان بباغات کفایت کرده رفع حاجت میکند.بهترین قناتها آنجا قناتی است که درمرکز ده در صحن امامزاده صالح بن موسی علیه السلام از زیر درخت‏ چنار قوی هیگل کهن سالی بقدر دوسنگ چون برفاب در نهایت زلالی و صافی بیرون آمده‏ از دو جانب آن مرقد مطهر جاری میشود.در سایر دهات شمیران نیز آبهای گوارا و سالم‏ موجود است خصوص در انیزمان که خیلی قنوات جدیده بعضی اعیان و متمولین شهر برای‏ آبادئی عمارات ییلاقی خود احداث کرده‏اند که موجب مزید اشجار وتروتازه بودن آبهوای‏ شمیران است.علاوه از این قنوات و چشمه سارها منابع قنوات زیادی و رشته چشمه‏های پرآبی‏ در قطعهء شمیران ودامنهء کوه متصل آن موجود است که بفاصله‏های مختلف از زیر زمین از زمان قدیم و جدید کار کرده به طرف شهر جاری وساری است.کلیههء تمامی قنوات که داخلهء شهر طهران را سیراب میسازد میتوان گفت که از این قطههء شمیران است.اگر رشته کلام از دست نمیرفت اسامی رشته‏های قدی‏یم و جدید جاریه در شهر را در این موقع برشتهء کلام از تسطیر میآورم چون از ما نحن فیه خارج بود از آنجهت صرف نظر شد محصولات ارضی‏ قطههء شمیران از حیثیت حبوبات خیلی کم و بقدر کفاف آذوقهء اهالیش نیست بلکه برای ادارهء امر معاش و خوراک لازمهء خود محتاج خارج و شهر هستند ولی از میان محصولات صیفی آنها که دایر بیک رشتهء عمدهء مداخاشان است حاصل خیار و باقلا و ذرت است که در فصل خیار چندین بار بشهر برده بفروش میرسانند.خیار شمیران در نازکی و سبزی و ارزانی معروف‏ است.قرار فروش خیار و کدو و ذرت بوزن نیست بلکه عددیست،در موسم خود دو تا بیک پول یعنی بنیم‏شاهی هم بیفروشند.و از چیزهای شمیران از حاصل فواکه و سردرخت‏ توت ممتاز و از گل و تمشک است.توت شمیران در شیرینی وبیدانگی بحدی خوبست که‏ مسافرین در حین رجعت باوطان خویش مانند ارمغان بخویش و اقوام‏شان هدیه میبرند.سیب‏ و گلابی و زردآلو و آلوچه هم بدنیست.در بعضی جاها آنقدر وفور دارد که هم سردرخت آنها را و هم هیزمش را بشهر حمل کرده بفروش بیرسانند.

غیر از فروش توت و خیار و علف وبعضی سردرخت،شمیرانها هر ساله در دو فصل، خوب مداخل دارند بدینقرار کسانیکه قاطر دارند اوقاتی که کاروان از مازندران بطهران‏ دیر آمده برنج گران یا در زمستان ذوغال کم‏یاب میشود بواسطهء بلدیت و قرب راه دسته‏ دسته خیلی برنج و ذوغال اینها از جاهای نزدیک مازندران بشهر حمل کرده بقیمت اعلی‏ میفروشند.راه دخل دویم آنها این است که اگر بموجب اقتضای فصل چنانکه اغلب سالها دیده شده در فصل زمستان هوا آنقدر سرد نشد که آب یخ بسته بخچالها از یخ پر شود تا کفایت‏ تابستان را نماید بنابراین موقع رامغتنم شمرده شمیرانیها هریک هر روز یکبار قاطر از جای‏ معلوم وسط کوهی که توچال معروفست شب یخ‏بار کرده صبح بشهر آورده بقیمت گران می‏فروشند. شمیرانیها از زن و مرد صنعت و قابلیت ندارند از محصولات یدی چیزی از آنها دیده‏ نشده مگر در دیزج بالا که معروف به امامزاده قاسم است،و بعضی از دهات دیگر زنها از کولش گندم بعضی کالاهای بچگانه و آجل‏خوری مشبک میبافتند که آنهم ساده و غیر قابل است. شمیرانیها عمومما یکزبان خاص دارند که خیلی شبیه بزبان مازندرانی است.اصطلاحات‏ عجیب و غریب دارند که خیلی رکیک و خنک است که اساسا و ترکیبا شیرینی زبان فارسی را از میان برده است.علاوه برین اهالی شمیران خوش‏صورت و خوش‏ترکیب نمیشوند.از زن‏ و مرد بدگل و بدسیما هستند.برحسب اتفاق بود که سرکار اعلیحضرت همایونی دو نفر دختر از رعیت‏زدگان ودهقان بچگان شمیران راخل حرم سرایان خود نمود،اولی جیران خانم‏ معروف بفروغ الدوله بود از اهل تجریش که بمقام عالیه برقی کرده،دیگری دختری بود از اهل پس‏قلعه که آنهم معزز و محترم بود تا اینکه سه سال قبل وفات کرد.این یکفقره‏ دلیل خوشگلی تمامی آنها نمی‏شود که سرکاربندگان همایونی در تعریف شمیرانیان مسئله را تعمیم داده درمقام سخن‏سرائی وشعرگوئی فرموده است:

بد گل شمیران به از شکیل مراغه‏ از گیل شمیران به از شلیل مراغه

بواسطهء نزدیکی جنگل مازندران در این کوه شمیران از هر قبیل حیوانات وحشی و شکاری پیداست اغلب در قرب آبادیها ببر و پلنگ وشیر و خرس و بعضی جانورهای درنده و سبع دیده شده است.از اینجاست که بیست وسه رأس شیر و پلنگ و ببر قوی هیگل را خود اعلیحضرت همایونی بدست مبارک خود شکار فرموده بجلد آنها کاه انباشته در عمارت معروف‏ بنارنجستان سرپا دائما نماینده جرأت و جلادت حضرت ظل اللهی است چون تمام سراسر کوه‏ البرز از حوالی دماومند تا منتهای قریهءکن شکارگاه مخصوص ذات اقدس شهریاری و قروق‏ خاصهء اعلیضرت شاهنشاهی بود احدی را جرأت انداختن تیر و دنبال شکار نخجیر در چهار فصل نیست بنابراین چه بسیار است هر نوعی شکارهای کوهی و صحرائی که فوج‏فوج دسته‏ بدسته ازین بیورت دیگری برای چرا خرامان همی روند و از دیدار جنس دو پا پروائی ندارند،از کبک و قرقاول در فصل زمستان بازار طهران ملو است.خلاصه کمتر جائی مانند کوه البرز در فراوانی وکثرت شکار پیدا میشود این ایت که غالب ایام خاطر خطیر اقدس همایونی بشکار فرموده اوقات خودشان را درشکارگاههای معروف بجاجرود و شهرستانک‏ و سرخه حصار و غیره بسر میبرند،در این‏جاها بحکم شاهنشاهی عمارت بس عالی برای اقامتگاه‏ و مواقع شکارگاه ایجاد نمومده‏اند که اینموقع مقتضی ذکر آنها نیست،ولی زاید نیست که بطور اجمال ذکری از عمارا عالیه و ابنیهء رفیعه که برای صیفیهء اهالی طهران در شمیران بنا نموده‏اند بشود و ابتدا شروع بذکر عمارات دیوانی نموده معروض میداریم.

عمارات و باغات دیوانی امروز هرچه در شمیران دیده میشود بطور کلی ایجاد و احداث‏ آنها دراین قرن اخیر شده یعنی جهاندرای و پادشاهی سلطان حاضر خلد الله ملکه و دولته‏ است زیرا که تا هنگام وفات خاقان منفور و مبرور فتحعلی شاه طاب اللّه ثراه که مدت سلطنت و پادشاهیش سی و هشت سال کشید بهمه جهت دراینمدت یکسال عمارت ییلاقی موسوم بقصر قاجار در حوالی شهر بنا فرموده،پس از آن سلطان غازی محمد شاه مرحوم نور اللّه مضجعه هم‏چنان باغ‏ مخصوص معتنا به ییلاقی بنا نفرموده‏اند ولی از سی سال باینطرف ابنیه که برای تفریح و تفرح در خارج شهر تهران حسب الامر همایونی در سمت جنوب روبدامنهء کوه درست کرده‏اند بدینقرار است: اولی باغ عشرت‏آباد در یک میلی دروازه شمیران که عمارت خیلی عالی پنج مرتبه با جمیع ملزومات و اسباب لازمه در ده سال قبل باتمام رسیده است.

بالاتر از او قصر قاجار که اساس باغ و عمارت از قدیم بوده در این عهد فرخنده‏ مهد وسعت و زینت زیاد پیدا کرده دارای مبل و اسبابهای فرنگی و سایر چیزهاست که حالا مکانیت و اسبابش توقف واقامت یک سلطانی را کافی باشد درخور دارد.

بالاتر از آن در سمت شرقی شیمران که تقریبا یکفرسخ بیشتر بشهر مسافت دارد باغ‏ وسیع فرنگی‏سازی است موسوم به سلطنت آباد که عمارت متعدد زیبا و باصفا دارد،باز در همه اوطاقها و سالونهای آن نیز آنقدر اسباب و مایحتاج هست که هر وقت اعلیحضرت سلطانی‏ با حرم‏سرایان و خدم و حشم فراوان از شهر باآنجا نزول اجلال میفرمایند همه چیز آماده و حاضر است،این باغ دریاچهء بزرگ مربعی درمقابل عمارت دیوانخانه دارد در وسعت آنقدر بزرگ است که گاه و بیگاه درایام اعیاد برای انعقاد سلام عام یا خاص همه خدام آستان آسمان‏ جاه که از هر اداره از قلمی و نظامی بدانجا آمد جابجا در دور آنحوض آبنما در پیشگاه ذات‏ اقدس همایونی صف‏زده می‏ایستند تا به نمایش تمام،آئین سلام صورت ختام میپذیرد.

در این روضهء شاداب خوش هواتر و خنک‏تر چسبیده بکوه در قریهء نیاوران عمارت‏ صاحبقرانیه است که در بلندی جا و وسعت مکان و فسحت میدان نظاره بر همهء ابنیهء دیوانی و غیر دیوانی تفوق و مزیت دارد.باغ این عمارت در سراشیب واقع شده که خود عمارت در وسط آن در تپهء سنگی بنا شده بطوری که گوئی جلگهء تمامی شهر و نواحی آن در زیر پای آنقصر بیش‏ از یک مشت خاک نیست برای آنکه در فصل تابستان همه خادمان حرم و خدام ملک حشم دو سه ماه‏ علی التوالی در این قصر و درحول آن بسر میبرند،یورت اینجا از سایر باغات و عمارات صیفیه‏ بیشتر و فزون‏تر است و وسعت باغش خیلی زیاد است و در باغ عمارت آن دیوار محکم بلند گچ آجری دارد که غیراز سر در عالی آن از جای دیگر دخول و خروج هیچ ممکن نیست زیرا که قراول دورها دور شب و روز کشیک و ساخلو میکشند.

از صاحبقرانیه وجاهای معینه خیابانهای مطرز و مشجر امتداد یافته که مطول‏ترین آنها خیابانی است که از صاحبقرانیه بمسافت دو فرسخ بشهر وصل میشود.این خیابانرا از دو سو سراسر،متصل بهم،درختان مختلف از جنگلی و غیر جنگلی فرو گرفته و در بین هر نهالی‏ بوتهء گل رشتی و دیگری قد برافرشته که سرایه اشجار محفوفه عطر گلهای مختلفه و برودت و لطافت جریان دو رشته چشمهء آب از چپ و راست که حیات بخش ریاحین و درختان خیابان‏ است در هول آفتاب خصوص در ماه تموز پناه ده و سایه افکن هر عابر و وارد است.

خلاصه این خیابان بهمین طراز و قرار از محاذی در باغ سلطنت‏آباد وضرابخانه و قورخانه مرور یافته در دروازهء شمیران بشهر اتصال مییابد.خیابانهای عدیده بهمین قرار از یمین و یساراین رشته راه بمسافات مختلفه و جاهای معینه از قبیل قصر اقدسیه و منظریه و فیروزه‏ و غیره جدا میشود.

بعد از عمارات رفیعه و قصور عالیه دیوانی در میان نیاوران و جماران عمارت رفیع البناء و جمیل الفضاء کامرانیه ییلاق خاصه بلکه قشلاق آتیهء حضرت مستطاب نواب اشرف و الانایب- السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ است که هرچه توانم در تعریف و توصیف آن روضهءخرم بپردازم‏ باز خود را عاجز و قاصر می‏دانم درکلاه فرنگی دو مرتبهء آن،که حکم بیرونی و عمارت‏ پذیرائی را دارد بلااغراق پنجاه هزار تومان مبل و اسباب تجمل هست و فزون از سه هزار گلدان گل و خمره است فقط مواجب سالیانه دو نفر باغبانان اطریشی آنجا قریب بهزار تومان است.

عمارت منظریه در بالای کامرانیه که در کمر کوه واقع و متعلق بحاجی حسام السلطنه‏ مرحوم بود بعد از فوت آن در جز و سهم ارث دختری بعیال(؟)نایب السلطنه تعلق گرفت، که حالا خراب و متروکست.از کامرانیه نیز خیابانی هست که بخط مستقیم در زیر رستم‏آباد واصل بخیابان شاهی میشود.این خیابانها مستحفظ سواره و قراول و باغبان دارد که مخارج‏ مقررهء آنها سالی فزون از هزار تومان است.

اگرچه نواب و الاضل السلطان برای سکونت و وقت‏گذرانی‏های خود جاها و باغات‏ زیاد در دربند و جعفرآباد خریده ولی عجالتا چنان عمارت معتنا بهی نساخته است.

باغ فردوس معیری که معیر الملک مرحوم نظام الدوله کرورها خرج عمارت و باغ‏ آن کرد و حقیقة حکم فردوس طهران را داشت درا ین دو سال نه تنها از بی‏مبالاتی و ناقص‏ العقلی و لجاجت فرزند ناخلفش معیر الملک ثانی بکل از حلیهء آبادی افتاد بلکه پارسال و امسال هر روز صد نفر عمله هریک روزانه صد تومان ضرر فاحش زده بحکم آن ناخلف پسر تمام‏ آنعمارت را کوبیده و درختان قوی هیکل آنجا را که هریک دررفعت و بلندی با چرخ برین‏ همسری می‏نمود از بیخ و بن بریده بسوخت مطبخی وکارخانه تماما آتش زده بسوخت.باغ به‏ آن ظرافت که در 20 سال قبل محل حسد و حیرت مردمان هوسکار بود امروز مسکن ددو دام گردیده ضرب المثل و محل عبرت هر ناظر و بیننده است.

سپس قصریکه در جعفرآباد ملک التجار حالیه طهران پسر آقا مهدی مرحوم به جبر و عنف از برادرزادهء مرحوم نضرة الدوله فرمانفرمای سابق ضبط و تصرف نمود و ملک بیست‏ هزار تومانی را بحیله و دسیسه در گرو بیست هزار قران از میان برد.انصافا جای و تفرجگاه‏ مرغوب و منظرگاه بسی مطلوب است.

غیر از اینها شاهزادگان گرام و امراء عظام از قبیل فیروزه میرزا نصرة الولهء مرحوم در جعفرآباد،محمود خان ناصر الملک در سعدآباد،و آقا علی امین حضور در اوین، و نظام الملک ارثا در داویه،و محمد حسن خان اعتماد السلطنه در حسن‏آباد،و عزت‏الدوله‏ خواهر اعلیحضرت همایونی در رستم‏آباد،و اولاد فرخ خان امین الدوله در چیزر،و باغ‏ حشمة الوله مرحوم در تجریش،و صیفیهء مخبر الدوله در پائین قلهک،و باغ ناتمام امین الدوله‏ درالهبه و غیره نیز از جملهء معروف و مشهور است که درجهء اول را درا هستند از این‏ طبقه محسوب میشود.

عمارات صیفیهء سفراء خارجه در شمیران در جاهای مختلف که باذن و اجازه و مصارف‏ دول متبوعهء خودشان احداث وایجاد کردند.از جمله سفارت‏خانه دولت روس است در دول متبوعهء خودشان احداث و ایجاد کردند.از جمله سفارت‏خانه دولت روس است در زرکنده توی رودخانه که دراستحکام و متانت یادگار و نشان در قرون عدیده خواهد بود، در مقابل آن در قریهء قلهک سفارتخانهء دولت انگلیس است که شامل است بباغ وسیع و عمارات‏ کثیره پائین‏تر از آنها در سرآسیاب تجریش باغ و عمارت سفارت عثمانی است که بنای آن‏ آنقدر تعریف ندارد.گذشته از اینها ما بقی سفرای دول خارجه همه سال درامکنهء مختلفه‏ شمیران هریک باغ وعمارت صیفیهء مناسبی را استیجار مینمایند،حال چندین سال است که سفیر فرانسه باغ مرحوم قوام الدوله را که در وسط تجریش واقع است برای سفارتخانهء ییلاقی چهار ماهه اجاره میکند به 300 تومان.بعد از آن سفارت اطریش چهار سال است باغ نصر اللّه خان‏ زنبور کچی باشی را در دیزج آشوب همه ساله در فصل تابستان بدویست تومان اجاره مینماید. سفارت‏خانهء ییلاقی آلمان پارسال در محمودیه و امسال در قلهک در باغ مخبر الدوله است،و سفارت‏ بنگی دنیا هم امسال دردیزج آشوب در باغ میرزا رفیع خان مستوفی است،و سفارت‏خانهء ایطالی‏ در چیزر،و سفارتخانهء بلژیک در تجریش در باغ حشمة الدولهء مرحوم،و سفارت هولاند در الهیه است.

ادیب بیضائی

گاهی

در دلم جلو کند پرتو ماهی گاهی‏ روشن از ماه شود شام سیاهی گاهی‏ تا رود زآتش ما دود بچشمان حسود خوش برآرم ز دل سوخته آهی گاهی‏ تا بدامان تو یکدم بیشینم چون گرد همه بینند مرا بر سر راهی گاهی‏ دل اگر گشت گرفتار زنخدان چه عجب‏ طفل دیوانه رود بر سر چاهی گاهی‏ جز توام نیست نظر جانب دیگر،چه شود گر کنی سوی من از مهر نگاهی گاهی‏ تاک بی‏تکیه گهم چون شود ای سرو بلند دست گیرد بتو بی‏پشت و پناهی گاهی‏ داد من گر ندهی دست من و دامن اشک‏ قطره‏ای اشک کندکار سپاهی گاهی‏ کاش باز آید و جرمم بنگاهی بخشد وه چه جانبخش بود عفو گناهی گاهی‏ دعوی شیری و آهوی نگاهش عجب است‏ شیر گیر است«ادب»چشم سیاهی گاهی